

A comparative study of environmental curriculum theories and approaches

Mahboubeh SoleimanPour Omra, Mohammad Hossein Yarmohammadian, Narges Keshtiaray

¹Assistant Professor, Islamic Azad University, Bojnourd Branch, Bojnourd, Iran.

² Professor, Health Management and Economics Research Center, Medical Sciences

Department, Isfahan University, Isfahan, Iran

³Assistant Professor, Department of educational science, Islamic Azad University Isfahan (Khorasgan) Branch, Isfahan, Iran

Abstract

Through the development of the environmental crisis, environmental education has become an integral part of the educational systems. Because the basis of the environmental problems is naturally interdisciplinary, multi-sectorial, and holistic, so theoretically it can be seen with different approaches and the related education to this can be considered from different views and approaches. Therefore, the purpose of the current study has been to identify and consider the environmental views and approaches and awareness of education thoughts, environmental curriculum and comparing them together and achieving a general classification in this field. This study has done by using descriptive and analytical method and a lot of references has been reviewed. The results show that type of attitude to the environmental problems causes different education and in a general classification, the environmental approaches are classifying into two groups: human-oriented and environment-oriented. And the curriculum approaches are classifying into two groups: technical & hardware and non-technical & software. In this classification, environmental education approaches can be considered in the group of non-technical, flexible, and human-oriented approaches of the curriculum.

Keywords: Environmental Education, Curriculum, environmental approaches, environmental education theories.

بررسی مقایسه‌ای نظریات و رویکردهای برنامه درسی زیست محیطی

محبوبه سلیمان پور عمران^{*}، محمدحسین یارمحمدیان، نرگس کشتی‌آرای

^۱استادیار گروه علوم تربیتی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران
^۲استاد مرکز تحقیقات مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

^۳استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، اصفهان، ایران

چکیده

با گسترش بحران‌های محیط زیست، آموزش زیست محیطی به بخش جدایی ناپذیری از نظام‌های آموزشی تبدیل شده است. از آنجا که اساس مسائل زیست محیطی از نظر ماهیتی، میان رشته‌ای، فرابخشی و کل نگر است، لذا از منظر تئوریک، با رویکردهای متفاوتی می‌توان به آن نگریست و در پی آن، آموزش‌های مربوط به آن را می‌توان از دیدگاه و رویکردهای متفاوتی بررسی نمود. از این رو، هدف پژوهش حاضر، شناسایی و بررسی دیدگاه‌ها و رویکردهای زیست محیطی و آگاهی از اندیشه‌های آموزش و برنامه درسی محیط زیست و مقایسه آنها با یکدیگر و دستیابی به یک دسته بندی کلی در این زمینه بوده است. این پژوهش از نوع توصیفی تحلیلی است که با مرور منابع موجود در این زمینه انجام پذیرفته است. نتایج نشان می‌دهد نوع نگرش به مسایل زیست محیطی، آموزش‌های متفاوتی را سبب می‌شود و در یک دسته بندی کلی، رویکردهای زیست محیطی در دو دسته انسان مدارانه و محیط مدارانه و رویکردهای برنامه درسی در دو دسته فنی و سخت و غیرفنی و نرم قرار می‌گیرند و در این طبقه بندی، رویکردهای آموزش زیست محیطی را می‌توان در گروه رویکردهای غیرتکنیکی، انعطاف پذیر و انسان‌گرای برنامه درسی مورد بررسی قرار داد.

واژگان کلیدی: آموزش زیست محیطی، برنامه درسی، رویکردهای زیست محیطی، نظریات آموزش زیست محیطی

مقدمه

است تا به عنوان بخش اصلی فرایند آموزش پذیرفته شود (Simmons, 2010)، (و شامل طیف گسترده‌ای از روش‌های تدریس، موضوعات و مخاطبان بوده است که به برنامه ریزان زیست محیطی تعاریف مشخص، راهنماها، اهداف و استانداردهایی از آموزش زیست محیطی ارائه می‌دهد (Monroe & et, al. 2007). به طور کلی هدف این رویکرد سبزی، کمک به فراگیران است تا معنای خود را از جهان طبیعت شکل داده و ضمن آگاهی برای حل و عملی نمودن راهکارها، انگیزه داشته باشند (Cridel, 2010)، آموزش زیست محیطی صرف نظر از اینکه مقوله‌ای چند بعدی است، همواره از موضوعات مورد توجه برنامه ریزان درسی بوده است. در برنامه درسی، جهت گیری‌های ایدئولوژیک بر اهداف، استراتژی‌های آموزشی، محتوا و سرفصل دروس و ارزشیابی تأثیر خواهند گذاشت و ماهیت آموزش زیست محیطی را تعیین خواهد نمود. مبانی فلسفی، اجتماعی، فرهنگی و روان شناختی از عوامل تأثیرگذار عناصر برنامه درسی هستند که بر تفکر نسبت به عناصر برنامه درسی تأثیر گذاشته و دیدگاه‌ها و رویکردهای متعددی ایجاد می‌نماید. بررسی رویکردهای آموزش زیست محیطی ما را قادر به درک ماهیت و برنامه درسی زیست محیطی و ایدئولوژی‌هایی که ماروای برنامه درسی زیست محیطی وجود دارد، خواهد ساخت و به تصمیم گیرندگان برنامه درسی در ایجاد اصلاحات آموزشی یاری می‌نماید. پژوهش‌های متعدد در این زمینه Soleimanpour (2014; Soltani & Omran, 2011; Benson, 2003; Abedi Sarvestani, & etc., 2008) نشان می‌دهد که نوع نگرش و ارزش گذاری نسبت به مسائل زیست محیطی تأثیر مستقیمی بر اهمیت دادن به آموزش آن و به تبع آن، بر طرح ریزی برای آموزش زیست محیطی در پی خواهد داشت. به این ترتیب، شناسایی و بررسی چشم اندازها و رویکردهای زیست محیطی و شناخت دیدگاه‌های برنامه درسی زیست محیطی ضرورت دارد. بدست آوردن یک دسته بندی کلی در این زمینه برنامه ریزان درسی را در جهت توسعه و انتقال آموزش مفاهیم زیست محیطی در برنامه‌های درسی یاری خواهد رساند و کمک خواهد نمود تا رویکردها و مدل‌های مناسب آموزش جهت این نوع از

عصر کنونی را «دوران بحران زیست محیطی» نامیده‌اند. زیرا با تغییر سبک زندگی و مصرف، تخریب، ابعاد وسیع‌تری به خود گرفته است (Bayat & et al., 2012) و حصول اهداف زیست محیطی را تنها از طریق تعهدات بین‌المللی، غیرممکن ساخته است (Jacobus, 2004) شواهد نشان می‌دهد در آینده نزدیک با بحران‌های زیست محیطی مواجه خواهیم بود لذا، ضرورت لحاظ نمودن معیارهای زیست محیطی را در آموزش‌ها آشکار می‌سازد (Mohammadi & Mohammadi, 2008) زیرا به عقیده محققان، عدم آگاهی زیست محیطی، بحرانی‌ترین عاملی است که به تخریب محیط زیست می‌انجامد (Waktola, 2009). از نظر هونکه و همکاران (2001) بهترین وسیله برای کاهش معضلات زیست محیطی، آموزش است (Ghazavi & et al., 2008) آموزش، هنر فرایندها، مشارکت، و ایجاد ارتباط و روند رشد و زندگی است و زندگی و طبیعت همیشه در ارتباط هستند (Marouli, 2002). رفتارهای ما به وسیله اندیشه‌هایمان هدایت می‌شوند و آنچه را که مردم در مورد زیست بوم‌هایشان انجام می‌دهند وابسته به آن است که درباره محیط زیست خود چگونه می‌اندیشند (Abedi Sarvestani & Shah vali, 2008) لذا نوع آموزش، بر درک و باور انسان نسبت به محیط تأثیر می‌گذارد (Mirdamadi & et, al. 2008) هدف آن اجرای نوعی آموزش برای تربیت شهروندی مسؤول، فعال و آگاه برای ایجاد تغییرات اجتماعی و زیست محیطی است (Daskolia & Agelidou, 2006). ضمن اینکه در هر فرد نسبت به حوادث و تغییرات محیط زیستی، حساسیت به وجود می‌آورد به گونه‌ای که ضمن تشخیص مسائل، به ابداع روش‌ها و حل مسائل مربوطه بپردازد (Boroumand, 1991) آموزش زیست محیطی در وسیع‌ترین معنای خود، رشد آگاهی، کسب دیدگاه‌های جدید، ارزش‌ها، نگرش‌ها، مهارت‌ها و رفتار برای دستیابی به یک محیط زیست پایدار است (Australian Government Department of the Environment, 2000) در دو دهه گذشته موضوع آموزش زیست محیطی بزرگترین حوزه‌ای بوده که تلاش داشته

زیست بحث می‌کند. (Fahimi & Mashhadi, 2009) روند تکامل دیدگاه‌های زیست محیطی در غرب طی یک بررسی تفسیری تاریخی به سه دوره کلی اسطوره‌گرایی، انسان محوری و طبیعت‌گرایی تقسیم شده است (Hays, 2002) در یک (Haghshenas & Zakeri, 2008) بررسی جامع میان رشته‌ای، ریشه‌های اصلی تفکرات جنبش‌های زیست محیطی غربی را شناسایی نمود که شامل طیفی از فلسفه‌های زیست محیطی (ecophilosophies)، اکوفمینیسم (ecofeminism)، مذهب و معنویت، نقد علم، پدیدارشناختی مکان (phenomenology of place)، سیاست‌های سبز اقتدارگرا (green politics of authoritarian)، محافظه‌کار، لیبرال و سنتی‌های سوسیالیستی بودند. (Payne, 2006) به طور کلی رویکردهای زیست عبارتند از: ۱- رویکرد صیانت‌گرایی (Preservationism یا صیانت از منابع (resources

Preservation: اساس اهتمام بر صیانت از طبیعت برای اموری مانند پژوهش علمی یا شهود زیباشناسانه و اطمینان از تنوع گونه‌ای و استفاده حال یا آینده از طبیعت است (Javadi, 2008) 2- رویکرد معنوی و خدامحوری: انسان نسبت به تمامی مخلوقات خدا مسؤول است. خدا باوران میان دوالگوی سلطه و سرپرستی برای مؤسولیت محیط زیست فرق می‌گذارند. بنابر الگوی سلطه، طبیعت فاقد هرگونه ارزش ذاتی است و ارزش ابزاری دارد اما الگوی سرپرستی یا نیکداری (Stewardship) انسان را مسؤول مراقبت از مخلوقات به عنوان پیشکار خداوند در زمین می‌داند-3. (Abedi Sarvestani & Shah vali, 2008) 3- اخلاقی یا اخلاق زمین: (Land Ethic) از ارزشی که باید نسبت به محیط زیست طبیعی اعم از جانداران و اشیاء که در بهره‌گیری از جهان با ما سهمند روا داشته شود و از طبیعتی که فی‌نفسه دارای ارزش مستقل از منافع انسان است بحث می‌کند (Benson, 2003) و نقش انسان از یک فاتح به عضو ساده آن تغییر می‌کند که مستلزم قائل شدن حرمت به کل اجتماع زمین است. ۴- رویکرد اسطوره پیشرفت: از این دیدگاه، پیشرفت و مبارزه با طبیعت امری اجتناب‌ناپذیر است، لذا کنترل و ایجاد تغییرات هدفمند در

آموزش تخصصی فراهم شود. این در حالی است که دسته بندی مشخصی در زمینه انواع این نظریات و متعاقباً انواع رویکردهای و دیدگاه‌های برنامه درسی آموزش‌های زیست محیطی وجود ندارد. لذا پژوهش حاضر درصدد شناسایی و بررسی دیدگاه‌ها و رویکردهای زیست محیطی و متعاقب آن آگاهی از اندیشه‌های آموزش و برنامه درسی محیط زیست و مقایسه آنها با یکدیگر و دستیابی به یک دسته بندی کلی در این زمینه بوده است تا با شناخت ماهیت این رویکردها، انتخاب عناصر برنامه درسی آموزش‌های زیست محیطی با آگاهی انجام پذیرد. لذا این پژوهش درصدد است تا به این سؤال پاسخ دهد که چه دیدگاه‌های و رویکردهایی در زمینه ی محیط زیست و متعاقباً، برنامه درسی زیست محیطی وجود دارد و چه دسته بندی و سازماندهی در این زمینه، می‌توان ارائه نمود.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی تحلیلی است که با مرور غیرنظام‌مند منابع در این زمینه انجام پذیرفته است. اطلاعات لازم از طریق جستجوی پایگاه‌های سایت‌های و بانک‌های داخلی و خارجی همچنین منابع کتابخانه‌ای موجود به دست آمد و از فیش برداری مبانی نظری و پیشینه‌های مرور شده به عنوان ابزار جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. جامعه آماری مشتمل بر کلیه مقالات و منابع علمی، تحقیقات پیشین، پایگاه‌های اطلاعات علمی و منابعی بوده است که به رویکردهای زیست محیطی و آموزش و برنامه درسی زیست محیطی و فلسفه، نظریه‌ها و تئوری‌های آموزش محیطی مرتبط بوده است و شیوه نمونه‌گیری این منابع، هدفمند بوده است.

رویکردها و دیدگاه‌های زیست محیطی

رویکردها و دیدگاه‌های زیست محیطی، ریشه در نوع تفکر در خصوص مبانی اخلاقی و فلسفی دارد و ترکیبی از فلسفه زیست محیطی (Environmental Philosophy) و اخلاق زیست محیطی (Environmental Ethics) هستند که پیرامون ارزش‌ها و چرایی حفاظت از محیط زیست و حق و ارزش‌های سیستم‌های غیرانسانی محیط و تعهد اخلاقی انسان نسبت به آن، تحلیلی فلسفی از مسائل اکولوژیکی (Ecosophy) دارد و از رابطه جدیدی بین انسان با محیط

است. در این دیدگاه آموزش زیست محیطی، توجه خود را بر روی جانوران و به رسمیت شناختن حقوق آنان متمرکز می‌سازد-11. (Schweitzer, 2011) گایا (وحدت حیاتی): زمین را موجود زنده خودحیایی تلقی می‌کند که همه موجودات در وحدت با آن و ارزشمند می‌داند و برای اجزا موجود در طبیعت حرمت قائل است (Ghavidel Rahimi, 2007) توسعه پایدار (Sustainable Development) این دیدگاه تلاشی بین رشته‌ای از آمیختن اهداف اقتصادی و زیست محیطی است که باید به انصاف و عدالت بین نسلی ((Intergenerational equality دست یابد. به جدایی هستی شناسانه بین انسان و طبیعت معتقد و انسان را هدف توسعه می‌داند اما دیدگاه پایداری (Sustainability) به طور گسترده‌تر به ماورای ریشه‌های انسان محوری توسعه پایدار می‌رود (Abedi Sarvestani & Shah vali, 2008) و به درک سیستم‌های اجتماعی، انسان‌ها، فرایند، روابط و ارزش‌ها توجه نشان می‌دهد که از آن تعبیر به «آموزش برای پایداری (Education for sustainability)» می‌شود (Shobeiri & Abdullahi, 2009) دیدگاه جغرافیایی-گرای (Geographism): جغرافیا و محیط طبیعی را اصلی‌ترین عامل تشکیل دهنده جامعه، تاریخ و رفتارهای انسان می‌داند - 14. (Shafiee Mazandarani, 1997) رویکرد سیاسی سبز تیره و سبز روشن: سبز تیره، گرایشی تندرو در حفاظت از محیط زیست و طرفدار ارزش ذاتی طبیعت بوده و اندیشه‌های آنان با «اکولوژیست‌های عمیق (Deep ecologist) پیوند می‌خورد و معتقد به تغییرات عمیق در مناسبات اقتصادی و اجتماعی و نوع رویکرد انسان به طبیعت است اما سبزه‌های روشن، محافظه کار و معتقدند مسائل زیست محیطی فارغ از چگونه بودن آنها، باید داوری گردند زیرا نمی‌توان دنیا و روابط آن را تغییر داد و پایه مناسبات اجتماعی بر این اساس شکل گرفته است. لذا به جای «آرمان‌ها» به دنبال «واقعیت» و به جای «مبارزه» و مقابله به دنبال «مدیریت» مسائل زیست محیطی است. نه به دنبال «آرمانشهر زیست محیطی (Ecoutopia)» «بوده و نه می‌خواهد دستاوردهای انسانی را نفی کند. در این گروه پراگماتیسم‌ها قرار دارند. (Fahimi & Mashhady, 2009)

طبیعت آن، راهی برای نشان دادن پیشرفت تمدن است -5 (Lahyjan, 2011) رویکرد فن محور: ضمن اینکه مشکلات زیست محیطی را می‌پذیرد، بر این باور است که شکل کنونی جامعه بر مشکلات غلبه خواهد نمود (دیدگاه وفور نعمت در اقتصاد (Cornucopian) و با مدیریت صحیح اقتصادی و زیست محیطی می‌توان در باره آن مسائل به بحث و مذاکره پرداخت (دیدگاه سازگاری با محیط زیست (Accommodators) این دیدگاه آسیب زدن به طبیعت را با این دلیل که درآینده، انسان برای آن راه حلی خواهد اندیشید، توجیه می‌کند. 6- رویکرد بوم شناسی ژرفانگر (Deep Ecology) بر تغییر سطح آگاهی‌های افراد، نیاز به تغییر ارزش‌ها و دانش بوم شناسی و عاطفی تأکید دارد و دوگانه بودن انسان و طبیعت را رد می‌کند و به دو جنبش بوم شناسی سطحی نگر و بوم شناسی ژرفانگر تقسیم می‌شود که اولین، به دنبال مبارزه علیه آلودگی و اتلاف با هدف افزایش سلامتی و ثروت کشورهای توسعه یافته و دومی آن را یک وظیفه اخلاقی می‌داند -7. (Palmer, 2002) رویکرد اکوفمینیستی (Feminist ethics) طبیعت را از لحاظ قابلیت زایش و عشق با زن تداعی می‌کند و برای اصلاح محیط زیست از انگیزه‌های اخلاقی درونی استفاده نموده و عمل سلطه (Dominance) را در روابط مرد با زن و انسان با طبیعت، نقد می‌کند -8 (Mohammadi Asl, 2004) دیدگاه پست مدرنیسم: فهم و تعریف هر کس از طبیعت با دیگری متفاوت است. بر خلاف عصر مدرن که معیار تمدن، میزان تسلط و بهره برداری از طبیعت محسوب می‌شد امروزه توانایی انسان در حفاظت از آن، تمدن تلقی می‌گردد و در جامعه پسا مدرن، تغییرات عمیقی در نحوه نگرش به طبیعت ایجاد شده است -9. (Sutton, 2004) بوم شناسی اجتماعی (Social Ecology) به محیط زیست از دیدگاه اجتماعی می‌نگرد و از نقش دوگانه نیروهای فرهنگی و سیاسی جامعه مدرن در تخریب زیست محیطی و کاهش آن و جنبش‌های سیاسی مقابله با تخریب طبیعت بحث می‌کند -10. (Gloudbalt, 2000) حقوق حیوانات (Animal right): از ریشه‌های عمیق بحران زیست محیطی، اعتقاد به متفاوت بودن انسان از دیگر گونه‌های جانداران

دیدگاه اصالت به عنوان اساس زندگی، با طبیعت نزدیک می‌داند (Haghshenas & Zakeri, 2008) - 18 سود یا حفظ و تبدیل منابع عملی درست است که دارای بیشترین سود برای بیشترین تعداد بشر باشد و منابع طبیعی را با هدف تبدیل سود اقتصادی و ارزش افزوده اقتصادی آنها حفظ می‌کند - 19 (Javadi, 2008). رویکرد اصل وحدت زیستی: در تعامل میان دو ارزش ذاتی و ارزش ابزاری، یک نظریه بینابینی و کل نگر (Holistic) وجود دارد که بین ارزش‌های طبیعت و منافع انسانی تعادل برقرار می‌نماید. در محیط زیست هرچیزی بر همه چیز تأثیر دارد و منافع یکی، به دیگری ختم می‌گردد (Fahimi & Mashhadi, 2009).

15- دیدگاه وظیفه‌گرا: قوانینی را که به نفع انسان است اتخاذ نخواهند نمود و معتقد به مجازات هستند. زیرا کسی که به طبیعت آسیب بزند به خود و هم نوعانش آسیب زده است اما نظریه پیامدگرا (Consequentiality theory) فایده‌گرا است و فعالیت‌ها، سیاست‌ها و اعمال را با توجه به پیامدهای آنها ارزیابی می‌کند - 16 (Lahyjanayan, 2011) دیدگاه گستردگی طبیعت: منابع طبیعی محدودیت ندارد و لذا هیچ حد و مرزی نیز در استفاده اقتصادی از آن وجود ندارد و رویکرد ابزارانگارانه به آن دارند - 17 (Javadi, 2008). رویکرد اسطوره‌گرایی: وحدت میان قانون، عرف، اخلاق و طبیعت وجود دارد و عناصر طبیعت، روح محافظ خود را دارد که آنان را از گزند حفظ می‌نمود و هم‌زادگرایی روح را

جدول ۱ - رویکردها و دیدگاه‌های زیست محیطی

رویکردهای زیست محیطی	خصوصیات رویکردها و دیدگاه‌های زیست محیطی
صیانت‌گرایی	حفظ طبیعت برای استفاده انسان بوده و ارزش ابزاری دارند
خدا محوری	تأکید بر مسؤولیت انسان نسبت به سایر مخلوقات خداوند و حفاظت از آن
اخلاق زمین	احترام به طبیعتی که فی نفسه دارای ارزش مستقل از منافع انسان است
اسطوره پیشرفت	پیشرفت تمدن از طریق ایجاد تغییرات هدفمند در طبیعت
فن محوری	توجیه آسیب زدن به طبیعت توسط اختراعات آینده بشر
بوم‌شناسی ژرفانگر	دوگانه بودن انسان و طبیعت را رد می‌کند
اکوفمینیسم	طبیعت را با زن تداعی می‌کند
پست مدرنیسم	توانایی انسان در حفاظت از محیط زیست به عنوان تمدن تلقی می‌گردد

بوم‌شناسی اجتماعی	مسائل زیست محیطی را ناشی از مشکلات اجتماعی می‌داند
حقوق حیوانات	حقوق و وظایف نسبت به حیوانات به سلسله زیستی آنها بسط می‌یابد
گایا	زمین را به عنوان موجود زنده‌ای تلقی می‌کند که همه موجودات در وحدت با آن هستند
توسعه پایدار	تلاشی بین رشته‌ای از آمیختن اهداف اقتصادی و زیست محیطی است
جغرافیایی گرایی	جغرافیا را اصیل‌ترین عامل تشکیل دهنده جامعه، تاریخ و رفتارهای انسان می‌داند
نهضت سیاسی سبز تیره و سبز روشن	طرفدار ارزش ذاتی طبیعت
وحدت زیستی	بین ارزش‌های طبیعت و منافع انسانی تعادل برقرار می‌نماید
وظیفه‌گرایی	به حفاظت از طبیعت به عنوان یک وظیفه صرف نظر از نتایج و پیامدهای آن توجه دارد
گسترده‌گی بی حد و مرز	معتقد به نامحدود بودن منابع طبیعی و بهره‌گیری از آن است
اسطوره‌گرایی	عناصر طبیعت هر یک روح محافظ خود را دارد که آنان را از گزند حفظ می‌نماید
اصالت سود	منابع طبیعی را با هدف تبدیل بیشترین سود و ارزش افزوده اقتصادی آنها حفظ می‌کند

توجه به ارزش ذاتی حیات و موجودات و تأکید بر انسجام کل اجتماع زیستی دارد. به انسان محوری و بهره‌کشی از موجودات اعتراض دارد، برای تمامی موجودات زنده ارزش ذاتی قائل است و مجموعه حیات را به صورت یک کل

در یک جمع بندی کلی می‌توان رویکردهای زیست محیطی را به دو دسته انسان مدارانه Anthropocentric و محیط مدارانه Ecocentric تقسیم نمود: الف) محیط محوری:

یکپارچه می‌بیند. ب) انسان محوری: طبیعت عنصری وابسته محسوب می‌گردد که به منافع انسانی گره می‌خورد و هدف از پاسداشت آن، حمایت از اهداف و منافع انسانی است. (Haghshenas & Zakeri, 2008)

لذا برداشت ابزاری از محیط زیست قوی است در طول تاریخ، انسان به دلیل دارا بودن هوش و خلاقیت، خود را دارای موقعیت اخلاقی مستقل می‌داند از این عقیده به انسان مرکزی نیز یاد می‌گردد.

دیدگاه‌ها و رویکردهای برنامه درسی

واژه برنامه درسی (curriculum) به اختصار از ریشه (race course) به معنای میدان مسابقه یا فاصله و مقدار راهی است که افراد باید طی کنند تا به هدف مورد نظر برسند (Yarmohammadian, 2000) و دوران رسمی آن با (Franklin Bobitt, 1981) آغاز گردید. از نظر دکر و واکر برنامه درسی روش خاصی برای هدایت محتوا و مقاصد یاددهی و یادگیری است (Decker, 2002). از نظر مارش و ویلیس، برنامه درسی، تمام موضوعات یادگیری برنامه ریزی شده ای است که مدرسه، مسئول و پاسخگوی آن است (Marsh & Willis, 2007). (Tyler) چهار عنصر اساسی برنامه ریزی درسی را مطرح نمود که به چهار سؤال اساسی ذیل پاسخ می‌دهد: ۱- اهداف: نخستین عنصر برنامه درسی و به قصد ایجاد تغییر در رفتار یادگیرنده اجرا می‌شود ۲- محتوا: مشتمل بر آنچه باید آموخته شود و دربرگیرنده حقایق، مفاهیم، اصول، نظریه‌ها و تعمیم‌ها است. ۳- راهبردهای یاددهی - یادگیری: تسهیل کننده انتقال دانش و فرایندهای یادگیری به فراگیران است. ۴- ارزشیابی: میزان دستیابی به اهداف برنامه درسی را تعیین می‌کند (Tyler, 2005). رویکردهای برنامه درسی (curriculum Approach) راه‌های مختلف تفکر و منعکس کننده نحوه برخورد نسبت به برنامه درسی، اهداف آموزشی، روش‌ها و محتوای درسی، فراگیر، نقش مدرسه و جامعه و موضع گیری اساسی درباره یاددهی و یادگیری در ابعاد گوناگون نظری و عملی را نشان می‌دهد (Yarmohammadian, 2002). آیزنر (Eisner, 1994) پنج

دیدگاه مختلف برنامه درسی را در متاتئوری (Meta theory) خود مطرح می‌نماید: ۱- دیدگاه رشد و تکامل فرایندهای شناختی (Development of cognitive processes -Academic rationalism) 2- دیدگاه منطق گرای علمی (3 -Academic rationalism) دیدگاه تناسب شخصی (4 -Personal relevance) دیدگاه برنامه درسی به مثابه تکنولوژی ۵- دیدگاه سازگاری اجتماعی و بازسازی اجتماعی (Social adaptation and social reconstruction). میلر (Miller, 1983) دیدگاه‌های برنامه درسی را بدین صورت برمی‌شمارد: ۱- دیدگاه‌های رفتاری (behavioral):

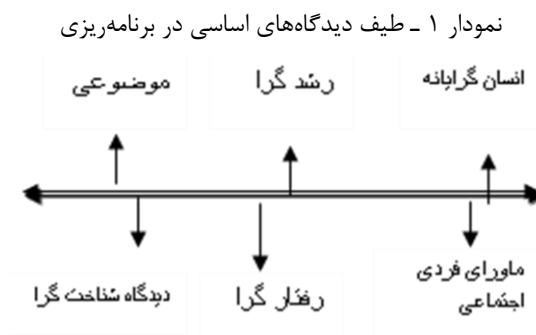
توصیف رفتارهای عینی فراگیر و تهیه برنامه‌ای برخوردار از ساخت و توالی و ارزشیابی مبتنی بر معیارهای از پیش تعیین شده مدنظر است. ۲- دیدگاه موضوعی (subject/ discipline): موضوعات درسی و سازماندهی آنها نقش اساسی دارد و بر تقویت و رشد قوای ذهنی تأکید دارد (عقلگرایی آکادمیک) ۳- دیدگاه اجتماعی (social): بر انتقال فرهنگی، تجربیات اجتماعی و جامعه پذیر نمودن فراگیران توجه دارد. دیدگاه بازسازی یا تطابق اجتماعی به تقدم نیازهای جامعه بر فرد تأکید دارد ۴- دیدگاه رشدگرا (developmental): هدف این دیدگاه پیروی از قوانین مربوط به جریان رشد شخصیت، شناختی و اخلاقی در کلیه مراحل تدوین برنامه‌های درسی است و هدف آن تلفیق رشد با همه ی ابعاد وجودی است ۵- دیدگاه شناخت گرا (cognitive): این دیدگاه بر رشد و تقویت مهارت‌های شناختی و مشاهده، تحلیل، ترکیب، ارزشیابی و بر سایر مهارت‌های ذهنی تأکید ویژه دارد. ۶- دیدگاه انسان گرایانه (humanistic): بر خودشکوفایی.

(Self-actualization) تأکید و ارزش‌های فردی و نیازها و علایق فراگیر، مهمترین منبع اطلاعات برای تصمیم گیری است. ۷- دیدگاه ماورای فردی یا کل گرایانه (transpersonal) این دیدگاه کانون توجه خود را به مرتبه بالاتری از وجود قرار می‌دهد و فرد، یگانگی و ارتباط با سایر اشکال را تجربه می‌نماید.

اگر دیدگاه‌های فوق را به صورت یک طیف در نظر بگیریم، در یک سرطیف توجه به ابعاد بیرونی رفتار و در سر

مشخص، بین معلم و فراگیر تعامل و ارتباط دوجانبه برقرار است.

دیگر توجه بر ابعاد درونی مانند افکار، احساسات توجه می‌شود (Miler, 2004). نمودار شماره ۱ این طیف را نشان



در ارزشیابی، تأکید بر فراگیران و فرایند اجراست نه محصول و بازده. این رویکرد دارای گرایش‌هایی از جمله انسان گرا (humanistic) و بازسازگرای مفهوم است (Yarmohammadian, 2000).

رویکردها و دیدگاه‌های آموزش محیط زیست هیچ الگوی یا برنامه ایده‌آلی برای آموزش محیط زیست وجود ندارد (Kupchella & Hyland, 2001). استراتژی‌های آموزش محیط زیست از پارامترهای آموزشی، شناختی و اجتماعی و تئوری‌های یادگیری تشکیل شده است و تلفیق نظام‌داری از رویکردهای زیست محیطی در چارچوب برنامه درسی است (Ramsey, 1992).

از طرفی تعامل رویکردهای آموزش زیست‌محیطی با عناصر و متغیرهای برنامه درسی مشتمل بر اهداف، محتوا، روش، زمان، فضا، ویژگی‌های دانش‌آموزان و دیگر عوامل، یک ترکیب چند بعدی می‌سازد (Winther et al., 2010). در الگوهای برنامه درسی محیط زیست باید به این سؤالات پاسخ داده شود:

- ۱- چه کسی را آموزش بدهیم؟ بررسی فراگیران
- زیست محیطی ۲- چه چیزی را آموزش بدهیم؟ بررسی
- مسایل و موضوعات دانش محیط زیست ۳- چگونه آموزش بدهیم؟ بررسی روش‌ها و تکنولوژی یادگیری آموزش محیط
- زیست ۴- کجا آموزش بدهیم؟ بررسی حوزه و موقعیت مکانی یادگیری و آموزش محیط ۵- چه زمانی آموزش بدهیم؟ بررسی موقعیت زمانی یادگیری و آموزش محیط ۶-
- چقدر آموزش بدهیم؟ بررسی عمق و وسعت یادگیری

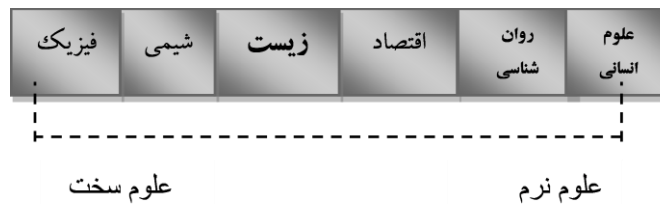
می‌دهد).

در یک دسته‌بندی کلی، رویکردهای برنامه درسی به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- علمی - فنی (technical-scientific) ۲- غیرعلمی و غیرفنی (nontechnical-nonscientific) (الف) رویکردهای علمی - فنی: این رویکرد با نظریه‌های سنتی برنامه درسی در قالب طرح و برنامه کار منطبق است و بر موضوعات اساسی، عینیت، منطق، تخصص و تجربه‌گرایی در برنامه درسی تأکید می‌کند. یادگیری اصول ثابت و محتوای درسی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و به ارزشیابی محصول (product) یا بازده محدود می‌گردد. گرایش رفتاری (behavioral)، مدیریتی (administrative)، سازنده (systemic)، علمی (scientific) از گرایش‌های این رویکرد هستند.

ب) رویکردهای غیرعلمی - غیر فنی: این رویکرد منعکس‌کننده دیدگاه‌های فلسفی جدید است و بر خصوصیات فردی، علائق، تفکر و شخصیت، زیبایی‌گرایی و فرایندهای تربیتی تکیه دارد.

بر عقلانیت همراه با عاطفه در مقابل عقلانیت فنی تأکید ورزیده و تمرکز فرایندهای یاددهی و یادگیری به روی فرد است. محتوا و موضوع تا حدی مهم است که فراگیر بتواند از طریق آن مفهوم سازی کرده و معنای شخصی خویش را بیافریند. به یادگیری به عنوان یک امر کلی می‌نگرد که نمی‌توان آن را به قطعات مجزا در یک ساختار خطی تقسیم نمود و به جای برنامه‌ریزی از قبل

نمودار ۲ - (Hard-Soft) پیوستار مربوط به رشته‌های تحصیل



۱- رویکرد انسان‌گرا: ریشه در فلسفه پیشرفت‌گرایی و نهضت انسان‌مدار دارند و دو بعد اساسی آن، توجه به علائق و نیازها و مسائل فراگیران و توجه به نظام ارزش‌ها است. (Yarmohammadian, 2002). این دیدگاه در زمینه‌های زیست‌محیطی بر استفاده از قوه خلاقیت، اتخاذ رویکردهای تازه در حل مسائل زیست‌محیطی، بهره‌گیری از هنر و زیباشناختی در زمینه‌های زیست‌محیطی تأکید دارد. ۲- رویکرد تلفیقی: ریشه در اصول فلسفه روانشناسی شناختی جدید دارد و از طریق برنامه درسی در هر مقطعی به کار گرفته می‌شود (Willis&Weiser, 2005). مبنای نظری آن از فلسفه آموزشی پیشرفت‌گرایی و تئوری سازنده‌گرایی (Constructivism) است، رویکردی که در آن بر خلاقیت، یادگیری طبیعی و کسب تجارب از جهان واقعی و انعطاف در برنامه درسی زیست‌محیطی تأکید می‌شود. 3 (Salimi& maleki, 2010)- رویکرد هوش طبیعت‌گرا: بر مبنای دیدگاه گاردنر (Gardner, 1999) هشت نوع هوش وجود دارد که هوش هشتم، طبیعت‌گرایانه است. این هوش توانایی فهم نمادهای طبیعی و احترام و حساسیت نسبت به توازن و توانایی تشخیص و طبقه‌بندی و تمایز انواع گوناگون پدیده‌های طبیعی و شناسایی پدیده‌های طبیعی و طبقه‌بندی آن می‌گردد و سبب ارضا کنجکاوی با مشاهده طبیعت و درک روابط پدیده‌های طبیعی می‌شود (Pasha Sharifi, 2005). تنوع بخشیدن به روش‌های یادگیری متناسب با هوش طبیعت‌گرا و ادغام در برنامه درسی با استفاده از اشکال میان‌رشته‌ای، فرصت‌های رشد این هوش را فراهم می‌آورد و بر رویکرد غیرخطی و سازماندهی بین‌رشته‌ای و تجاربی که این هوش را توسعه دهد، تأکید می‌شود. 4 (Mehrmohamadi, 2009)- رویکرد زیباشناختی: از رویکردهای نومفهوم‌گرایی به برنامه درسی است و از

آموزش محیط زیست (Entezari, 2003). آموزش زیست محیطی از مطالعات حفاظتی و طبیعی سرچشمه می‌گیرد و از ابعاد جنبش‌های بوم‌شناختی اجتماعی و سیاسی تأثیر می‌پذیرد و باید رویکرد بین‌رشته‌ای و کل‌گرا داشته باشد (Marouli, 2002). لذا یک برنامه درسی تلفیقی است (Willis&Weiser, 2005؛ Hassan&ZaidIsmail, 2011؛ Agenda 21) به عقیده دریک (Drake, ۲۰۰۴) مبنای نظری برنامه درسی بین‌رشته‌ای را می‌توان در فلسفه آموزشی پیشرفت‌گرایی و تئوری سازنده‌گرایی (Constructivism) یافت، رویکردی که در آن بر خلاقیت، فعالیت، یادگیری طبیعی و کسب تجارب یادگیری از جهان واقعی تأکید می‌شود (Salimi&maleki, 2010). مهمترین دسته بندی از حوزه‌های موضوعی این است که رشته‌های درسی به صورت افقی و بر روی یک پیوستار قرار می‌گیرند که در یک انتهای آن علوم سخت (Hard Science) و تجربی در انتهای دیگر آن، علوم انسانی قرار می‌گیرند و در وسط پیوستار علوم نرم (Soft Science) قرار دارد که با درجاتی سخت یا نرم هستند. موضوع محیط زیست از جمله علوم نرم و با قابلیت تلفیق به صورت بین‌رشته‌ای قرار دارد. لذا بین برنامه‌های درسی سنتی و از پیش تعیین شده و آموزش زیست محیطی مغایرت اساسی وجود دارد و نیازمند جستاری میان رشته‌ای و انعطاف پذیر است. زیرا برنامه درسی محیط زیست ترکیبی از عناصر گوناگون شامل عناصر تجربی، هم‌نظری، زیبایی‌شناختی و اخلاقی می‌باشد (Palmer, 2002)) به این ترتیب رویکردهای آموزش زیست محیطی را می‌توان در گروه رویکردهای غیرتکنیکی و انسان‌گرای برنامه درسی قرار داد. مهمترین این رویکردها عبارتند از:

کلی حال نگر و آینده نگر می شود: الف) دیدگاه سازگاری اجتماعی بر این باور است که آموزش باید بر اساس وضع فعلی جامعه پی ریزی شود و مهارت‌ها بر اساس نیاز در زندگی اجتماعی به آنان ارائه گردد ب) دیدگاه بازسازی اجتماعی علاوه بر این، به دنبال ایجاد تغییر در ساختار جامعه بوده و برنامه درسی باید در خدمت چنین تحولی باشد تا با تفکر انتقادی، مسائل را شناسایی و سعی در حل مشکلات و ناهنجاری‌های اجتماعی و تغییر آن داشته باشند (Fathi Vajargah, 2009) بر روابط بین مدرسه و نهادهای اقتصادی - سیاسی جامعه (Maleki & Salimi, 2010) و اجرای اقدامات عملی برای محیط زیست تأکید کرده، مدارس را تشویق می‌کند تا در خط مقدم تغییرات اجتماعی قرار گیرند. ایجاد قابلیت زیست محیطی و تکیه بر پروژه‌هایی که اهدافی مانند شفافیت بخشیدن به ارزش‌های شخصی دارد از اهداف آن است. (Miler, 2004) - رویکرد پست مدرن: ساختار شکنی و شک به فراروایت‌ها و تغییر در برداشت از مفاهیم دارد و با نگاهی جدید به جهان و پدیده‌های آن همراه با احترام به تنوع و تکرر و بهره‌گیری از چند مدل و روش یادگیری در برنامه درسی محیط زیست تأکید می‌کند (Fathi Vajargah, 2008). احترام به تنوع و تکرر، ارج نهادن به شیوه‌های مختلف، حضور همیشه عناصر دوسوگرا و عدم قطعیت در تصمیم‌گیری‌های زیست محیطی و نیاز به یادگیری در یک زمینه چالش‌انگیز، استفاده از مفاهیمی غنی مانند تنوع زیستی، دستیابی به یک زبان مشترک در میان گروه‌های مختلف در جامعه برای بحث در مورد مسائل مربوط به حفاظت از طبیعت و پایداری، برای گروه‌هایی با پیشینه‌های متنوع و دارای اختلاف علمی و اجتماعی اما دارای یک زمینه مبحث مشترک، فرصتی عالی برای یادگیری در زمینه علم، فناوری و جامعه به وجود خواهد آورد (Dreyfus & etc, 1999). 8- رویکرد پدیدارشناختی: از رویکردهای نومفهوم‌گرایی به برنامه درسی و عبارت از مطالعه پدیده‌ها و نحوه تجلی و نمود آنها در معنای زیست شده ((Lived meaning و آگاهی طبیعی ماست. از قالب برنامه درسی رسمی بیرون می‌آید و به قضاوت‌ها و درک شخصی فراگیر در زمینه‌های

متن و بافت هنر به عنوان ابزاری مفهومی نظری برای انتقال و درک معنای برنامه درسی زیست محیطی استفاده می‌کند در این رویکرد، محیط، نگرش‌های هنری را شکل می‌دهد و به عنوان منبعی ارزشمند در توجه به ظرافت‌ها، درک روابط، پرورش تخیل و خلاقیت استفاده می‌گردد Fathi (Vajargah, 2008). منتقد عقلانیت فنی موجود در چارچوب ابزار - هدف تایلر است و بر انتخاب همه عوامل در ایجاد تجربه یک برنامه درسی تأکید دارد (Marsh & Willis, 2007) این ۵- رویکرد، علاوه بر منبع ارزشمند الهام، عاملی مهم در ایجاد ارزش‌ها و نگرش‌های زیست محیطی و ایجاد ارتباط و توجه به طبیعت محسوب می‌گردد. ۵- رویکرد سازنده‌گرایی: دانش ماهیتاً شخصی است و بر نقش فعال یادگیرنده در معنا بخشیدن به اطلاعات تأکید دارد. بر فرآیند یادگیری در مقابل فرآورده و به طبقات بالای هدف‌های آموزشی در طبقه بندی بلوم یعنی ترکیب و ارزشیابی و در طبقه بندی گانیه، حل مسأله و راهبردهای شناختی توجه دارد و بر محیط‌های یادگیری پیچیده، مشارکت اجتماعی، پهلوی هم نهادن وجوه چندگانه، درک فرآیند ساختن دانش (Ahmadi, 2009). یادگیری فراگیر محوراکتشافی، موقعیت‌های عینی و عملی، ارزشیابی و تکالیف اصیل تأکید می‌شود (Seif, 2002). بر یادگیری مبتنی بر حل مسأله (PBL)، ایجاد انگیزه و کنجکاوای برای یادگیری دانش‌آموزان و توسعه خلاقیت و ترویج یادگیری فعال و روش‌های آموزش مشارکتی با استفاده از مدل‌های سازنده‌گرایی در آموزش‌های زیست محیطی و همچنین نیاز دانش‌آموزان و معلمان به کشف و ساختن دانش در زمینه آموزش علوم زیست محیطی تأکید می‌کند (Zhao, 2003).

۶- رویکرد اجتماعی: اهداف و محتوای برنامه درسی مؤسسات آموزشی از طریق تحلیل جامعه استخراج می‌شود و به عنوان نهادهای اجتماعی باید در خدمت رفع نیازهای جامعه باشند (Mehrmohamadi, 2009). این رویکرد در رابطه با دیدگاه تطابق و بازسازی اجتماعی (Social adaptation and social reconstruction) است که بر تقدم نیازهای جامعه بر فرد، مبتنی است و مشتمل بر دو نظریه

روان‌شناسی از میانی برنامه‌ریزی درسی محسوب می‌گردد. زیرا اهداف و محتوای برنامه باید با توجه به میزان رشد ذهنی و تفاوت‌های فردی یادگیرندگان تدوین گردد. روانشناسی محیط (Environmental) Psychology شاخه‌ای از روان‌شناسی اجتماعی است که به رفتار هر فرد در مقایسه با رفتار کل افراد توجه دارد و به پاسخ‌گویی به این سؤالات می‌پردازد: چه متغیرهایی تعیین‌کننده رفتار زیست محیطی فرد است و نحوه تغییر آن چگونه است؟ (Safarinia, 2010). 11 - رویکرد ترویج: به دلیل تنوع مخاطبان زیست محیطی، آموزش آن پیچیده، زمان‌بر و پرهزینه است. مکتب آموزشی ترویج (School of Extension Education) برای آموزش فراگیر، پایدار و مداوم برای همه اقشار جامعه، سبب تغییر و اشاعه الگوهای رفتار زیست محیطی در جامعه می‌گردد و بر سه رکن تداوم آموزش، تحکیم اراده خودیاری و پرورش حس همیاری در همه افراد گروه هدف برنامه استوار است ((Shahbazi, 1993 . 12) - رویکرد سواد زیست محیطی: در این رویکرد، محیط زیست به عنوان متنی برای خواندن تصور می‌گردد (Stables, 1996)). هدف آن، رشد سواد زیست محیطی شهروندان آینده است (Chen, 1997).

زندگی تجربه شده (Lived Experience) و بیوگرافیکال فرد توجه دارد (Fathi Vajargah, 2009). برنامه درسی علاوه بر اهداف از پیش تعیین شده، دربرگیرنده نتایج قصد نشده (نتایج بیانگر) است و انسان، در کانون توجه است (Keshtiaray&et,al.,2009) از ارتباط سطوح فرهنگی، تاریخی و اجتماعی انسان، طبیعت و مکان سخن می‌گوید و دغدغه‌های محیطی دارد. به نظر هایز (Hays, 2002)، داشتن یک رویکرد انتقادی به چشم اندازه‌های پدیدارشناسی از مکان و مشکلات زیست محیطی در تجارب زیسته زندگی شهرنشینی، بسیار ارزشمند خواهد بود. اما برنامه ریزان درسی اندکی توانسته‌اند مفاهیم غنی که بین جنبه‌های فلسفه زیست محیطی و برنامه درسی وجود دارد را به یکدیگر پیوند زنند (2006). 9 - Payne - رویکرد پیشرفت‌گرایی: این رویکرد بر عملگرایی و همه جانبه و کلی بودن تربیت شامل جنبه‌های اجتماعی، اخلاقی و شناختی و توجه به حال و آینده، توسعه زندگی اجتماعی دموکراتیک، اصلاح مدارس، تعلیم و تربیت انسان‌گرا، یادگیری فعال، روش حل مسأله، مواد درسی بین رشته‌ای و پروژه و فعالیت در آموزش زیست محیطی تأکید دارد و معلم نقش راهنما را ایفا می‌نماید (Maleki, 2005). 10 - رویکرد روان‌شناختی:

جدول ۲ - خصوصیات رویکردهای و دیدگاه‌های آموزش زیست محیطی

ویژگی‌ها	خصوصیات رویکردهای و دیدگاه‌های آموزش زیست محیطی
آموزش ترویج	گسترده‌گی و ناهمسانی مخاطبان برنامه‌های آموزش زیست محیطی و انتخاب مناسب‌ترین برنامه‌ها
سواد زیست محیطی	به آموزش زیست محیطی در سطوح آگاهی و دانش، نگرش، مهارت و مشارکت می‌پردازد
روانشناسی محیط	پاسخ‌گویی به متغیرهایی تعیین‌کننده رفتار زیست محیطی و نحوه تغییر آن
رویکرد تلفیقی	تأکید بر خلاقیت، فعالیت، یادگیری طبیعی، حل مسأله و کسب تجارب از محیط واقعی و انعطاف در برنامه درسی
پیشرفت‌گرایی	توجه به ابعاد مختلف آموزشی، اخلاقی، عملی، اجتماعی، یادگیری فعال، روش حل مسأله، مواد درسی بین رشته‌ای
رویکرد پدیدارشناختی	مطالعه پدیده‌ها و نحوه تجلی آنها در معنای زیست شده و ارتباط سطوح فرهنگی، تاریخی و اجتماعی انسان، طبیعت

رویکرد پست مدرن	نگاهی جدید به جهان و پدیده‌های آن همراه با احترام به تنوع و تکثر و استفاده از چند مدل یادگیری
رویکرد اجتماعی	مبتنی بر نیازهای جامعه و اقدامات عملی برای محیط زیست
رویکرد زیباشناختی	استفاده از متن هنر به عنوان ابزاری مفهومی برای انتقال و درک معنای برنامه درسی زیست محیطی
هوش طبیعتگرا	توانایی فهم نمادهای طبیعی و احترام و حساسیت نسبت به آن
رویکرد انسان‌گرا	دو بعد اساسی آن، توجه به علایق و نیازها و مسائل کودکان و توجه به نظام ارزش‌ها
رویکرد سازنده‌گرایی	تأکید بر نقش فعال یادگیرنده در آموزش زیست محیطی
آموزش زیست محیطی چندفرهنگی	تأکید بر اهمیت به کارگیری از جمعیت‌های متنوع در آموزش‌های زیست محیطی
رویکرد آموزش بین‌المللی محیط زیست	آموزش زیست محیطی به عنوان ابزاری مهم برای ایجاد ارتباط ملت‌ها و فرهنگ‌های مختلف و متن و زمینه‌ای برای گفتگو و داشتن اهداف، همکاری مشترک

است و روشن می‌سازد که اقدامات محلی و مسؤلیت جهانی چگونه می‌تواند تبدیل به بخشی از ارتباطات ما باشد. تأکید این رویکرد، احترام و قدردانی نسبت به همه اشکال تنوع فردی، فرهنگی و زیستی محیطی است و به فراگیران کمک می‌کند تا فلسفه‌های شخصی خود را با فلسفه‌های زندگی بوم شناختی هماهنگ سازند (Drengson, 2000). 14. (-) رویکرد آموزش بین‌المللی محیط زیست (IEEP): (International Environmental Education Program). با جهانی شدن، مردم برای راه حل‌های زیست محیطی، فراتر از واقعیت‌های محلی همکاری می‌کنند. در این رویکرد، تأکید بر اهمیت دستیابی به فرهنگ، درک و احترام و به کارگیری از این جمعیت‌های متنوع و درک و دستیابی به ابتکارات در آموزش‌های زیست محیطی است (Marouli, 2002). این رویکرد با رویکرد آموزش زیست محیطی چندفرهنگی ارتباط مستقیم دارد و بر آموزش زیست محیطی به عنوان ابزاری مهم برای ایجاد ارتباط ملت‌ها و فرهنگ‌های مختلف و متن و زمینه‌ای برای گفتگو و داشتن

سطوح سواد زیست محیطی در «بیانیه آموزش زیست محیطی ی تفلیس» (۱۹۷۷) در قالب این اهداف تعریف شده است: ۱- کسب آگاهی نسبت به محیط زیست و مسائل آن، توسعه توانایی تشخیص آن و استفاده از این توانایی‌ها در زمینه‌های مختلف ۲- نگرش: کسب ارزش و انگیزه برای مشارکت ۳- کسب مهارت برای تشخیص و حل مسائل زیست محیطی ۴- مشارکت در جهت حل و انجام مسائل زیست محیطی (13). Ramsey, 1992- رویکرد آموزش زیست محیطی چند فرهنگی Multicultural Environmental Education (MEE) : با جهانی شدن، مردم برای راه حل‌های زیست محیطی، فراتر از واقعیت‌های محلی همکاری می‌کنند. تأکید بر اهمیت دستیابی به فرهنگ، درک و احترام و به کارگیری جمعیت‌های متنوع و دستیابی به ابتکارات در آموزش‌های زیست محیطی است (Marouli, 2002). رویکرد بین فرهنگی، بین رشته‌ای و دربرگیرنده چهارچوب گفتمانی است که برای مطالعه زیست محیطی محلی جهانی

در ارزشیابی، تأکید بر فراگیران و فرایند اجراست نه محصول و بازده. بین برنامه‌های درسی سنتی و از پیش تعیین شده و آموزش زیست محیطی مغایرت اساسی وجود دارد. محیط زیست از جمله علوم نرم و با قابلیت تلفیق به صورت بین رشته‌ای قرار دارد و از ابعاد جنبش‌های بوم شناختی اجتماعی و سیاسی تأثیر می‌پذیرد و باید رویکرد بین رشته‌ای و کل‌گرا داشته باشد و برنامه‌های درسی نیازمند جستاری میان رشته‌ای و انعطاف پذیر است.

مبنای نظری برنامه درسی بین رشته‌ای را می‌توان در فلسفه آموزشی پیشرفت گرایی و تئوری سازنده گرایی یافت، رویکردی که در آن بر خلاقیت، فعالیت، یادگیری طبیعی و کسب تجارب یادگیری از جهان واقعی تأکید می‌شود. از آنجا که ماهیت آموزش‌های زیست محیطی نرم و انعطاف پذیر بوده و قابلیت تلفیق دارد به این ترتیب، رویکردهای آموزش زیست محیطی را می‌توان در گروه رویکردهای غیرتکنیکی و انسان گرای برنامه درسی قرار داد.

منابع

Ahmadi, P. (2009). Interdisciplinary curriculum. *Quarterly Journal Interdisciplinary Studies in the Humanities*, first year, 3:126-97.

Abedi Sarvestani, A. & Shah vali, M. (2008). necessity and characteristics of research in environmental ethics. *Quarterly of Ethics in Science and Technology*, Third Year, 3-4:61-56.

Abedi Sarvestani, A. & Shah vali, M. (2008). Nature and environmental ethics perspective, with emphasis on the Islamic perspective. *Ethical Issues in Science and Technology*, 1 & 2:59-72.

Agenda 21, United Nations Conference on Environment and Development. (1998). (H. refreshing, A. Ayft, Trans). Tehran: Environmental conservation organization Press. (original work published 1992)

Bayat, T., Ahmadi, P., & Parsa, A. (2012). Status of environmental ethics in Iranian elementary curriculum. *Curriculum Research Quarterly*, 9: 62-51.

اهداف، همکاری مشترک و در نهایت گام مهمی برای ایجاد ارتباط و صلح است. جدول شماره ۲ رویکردهای و دیدگاه‌های محیط زیست را نشان می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

آموزش محیط زیست از ادغام آموزش و محیط زیست حاصل شده است که از نظر ماهیتی یک دیدگاه میان رشته‌ای، فرابخشی و کل نگر است. از این رو باید در بستر و زمینه دیدگاه‌های فلسفی، تاریخی، روانشناسی، اجتماعی، اقتصادی، فناورانه، سیاسی، اخلاقی، زیباشناختی مورد مطالعه قرار گیرد و در زمینه‌های مختلف، رویکردهای متفاوتی به وجود می‌آورد. در این زمینه رویکردهای زیست محیطی عبارتند از صیانت گرایی، خدامحوری، اخلاق زمین، اسطوره پیشرفت، فن محوری، بوم شناسی ژرفانگر، اکوفمینیسم، پست مدرنیسم، بوم شناسی اجتماعی، حقوق حیوانات، گایا، توسعه پایدار، جغرافیایی گرایی، نهضت سیاسی سبز تیره و سبز روشن، وحدت زیستی، وظیفه گرایی، گستردگی بی حدو مرز، اسطوره گرایی، اصالت سود و رویکردهای آموزش زیست محیطی مشتمل بر رویکرد ترویج، سواد زیست محیطی، روانشناسی محیط، رویکرد تلفیقی، پیشرفت گرایی، رویکرد پدیدارشناختی، رویکرد پست مدرن، رویکرد اجتماعی، رویکرد زیباشناختی، هوش طبیعت‌گرا، رویکرد انسان گرا، رویکرد سازنده گرایی، رویکرد آموزش بین المللی محیط زیست و زیست محیطی چندفرهنگی شناسایی گردید. به این ترتیب، در یک دسته بندی کلی رویکردهای زیست محیطی را به دو دسته انسان مدارانه و محیط مدارانه و رویکردهای برنامه درسی به دو دسته فنی و غیرفنی تقسیم می‌شوند.

رویکردهای غیر فنی، انسان گرا و منعکس کننده دیدگاه‌های فلسفی جدید است و بر خصوصیات فردی، علایق، تفکر و شخصیت فرد توجه داشته و بر زیبایی گرایی و فرایندهای تربیتی و عقلانیت همراه با عاطفه در مقابل عقلانیت فنی تأکید می‌ورزد و به یادگیری به عنوان یک امر کلی می‌نگرد که نمی‌توان آن را به قطعات مجزا در یک ساختار خطی تقسیم نمود و به جای برنامه ریزی از قبل مشخص، بین معلم و فراگیر تعامل و ارتباط دوجانبه برقرار می‌سازد.

Fathi Vajargah, K. (2009). Principles and basic concepts of curriculum planning. Tehran: Ball Press.

Ferdousi, S. Mortazavi, Sh., & Rezvani, N. (2008). Relationship between environmental science and conservation practices. Journal of Human Sciences, 53:266-253.

Fahimi, A. & Mashhadi. A. (2009). Intrinsic value and instrumental value in environmental philosophy (philosophical approaches to human rights strategies.) Quarterly journal of Research philosophical - theological. 41 :195-216 .

Ghavidel Rahimi,y. (2007). Gaya theory and the formation of new attitudes in environmental sciences. Environmental Studies Quarterly, 41: 68-55.

Ghazavi, M.; Liaghatdar, M.J.& Abedi, A. (2008). content analysis of science textbooks in elementary school due to the environmental problems. Quarterly of Education,. 95:152-127.

Glloudbalt, D. (1379).Social theory and the environment. Translated Muhammad Hosseini salvation. Journal of Management "urban management" 4: 86-95.

Hassan,A&.ZaidIsmail,M. (2011).The infusion of Environmental Eduction (EE) in chemistry teaching and students awareness and attitudes towards environment in Malaysia. procedica-social and Behavioral Sciences, 15:3404-3409.

Haghshenas, M & Zakeri, M. H. (2008). seeking concepts of environmental ethics in the Islamic teachings. Journal Ethics in Science and Technology, Third Year,. 1& 2:31-23.

Javadi, M. (2008). Anthropocentric in environmental ethics with emphasis on the Islamic perspective. Journal articles and reviews (special Islamic philosophy and theology), 66-47.

Jacobus, R.(2004). 'Understanding Environmental Theology: A Summary for Environmental Educator', The Journal of Environmental Education, 3: 35 - 42.

Benson, J. (2003). Environmental ethics: An Introduction with Readings. Volumes I and II.(M. M. Rostami shahroudi , Trans.).Tehran: Environmental conservation organization Press .

Boroumand ,F. (1991).International Environmental educational, history, basic knowledge and training. preparing and filing: academic education sector, vocational UNESCO. Tehran: Iranian National Commission for UNESCO.

Entezari, Y. (2003). Complexity of environmental education. First Conference on Environmental Education, Environmental conservation organization Press.

Chen, P.J.(1997)."Environmental Educators IT is Time to Design a Whole Curriculum Now" The Journal of Environmental Education, 233-237 .

Cridel, T. (2010) .Encyclopedia of Curriculum studies. University of south California .SAGE publication.

Curriculum framework a guide for curriculum development and policy makers.(2000). Australian Government Department of the Environment, Water, Heritage and the Arts.

Decker F.W.(2003). Fundamental of Curriculum passion Passion and professionalism.secondediton .stanford university Lawrence Erlbaum Associates, Publishe .Mahwah, New Jersey London,

Drengson, A.(2000) .Education for Local and Global Ecological Responsibility : Arne Næss's Cross -Cultural, Ecophilosophy Approach.Victoria, British Columbia, Canad. Canadian Journal of Environmental Education, 5:63-75

Daskolia, M.& Agelidou, E .(2005). Kindergarten Teachers' Conceptions of Environmental Education EvgeniaFlogaitis.Early Childhood Education Journal, 3..

Fathi Vajargah, K. (2008).Curriculum toward new identities. Commentary on contemporary theories of curriculum. The first volume. Tehran: Aeezh press.

Mohammadi Ashenany, M.H., Mohammadi Ashenany, A., & Hasani, E. (2008). Integrating Environmental Ethics With the approach of strategic environmental assessment To achieve sustainable development Journal of of Ethics Science and Technology. 3 & 4:70-62.

Marsh, C. J. Willis, G. (2007). Curriculum Alternative Approach, Ongoing Issues, fourth edition, University of Rhode Island.

Palmer, J. (2002). Environmental Education In the 21 st century. (M. Khvrshyddvst, Trans.). Tehran: samt Press.

Payne, Ph. (2006) Environmental Education and Curriculum Theory. The Journal of Environmental Education, 2: 25 – 35.

Pasha Sharifi, H. (2005). Preliminary Study Gardner's theory of multiple intelligences . quarterly Journal of Educational Innovations, 11: 25-21.

Ramsey, J.M. , Hungerford, H. R & Volk, T. L. (1992). Environmental Education in the K-12 Curriculum: Finding a Niche', The Journal of Environmental Education, 23: 35 - 45.

Seif, A.A. (2002). Educational Psychology (Psychology of Learning and educational), Tehran: Agah Press.

Salimi, J. & maleki, H. (2010). Interdisciplinary curriculum design in higher education. Interdisciplinary Studies in the Humanities, 4:39-68.

Shafiee Mazandarani, M. (1997). Impact on the human environment. Qom: Islamic Press Office affiliated to qom Seminary Teachers Society .

Shobeiri, M. & Abdullahi, S. (2009). Theory and Applications of Environmental Education. Payam Noor University Press.

Shahbazi, E. (1993). Promoting school: basic approach in environmental education. Taavon magazine, 19 & 20: 49-102.

Simmons , D .(2010) More Infusion Confusion:A Look at Environmental Education

Keshtiaray, N., Fathi Vajargah, K., & Zimitat, C., & Foroughi, A.A. (2009). Curriculum design experience Phenomenological based approach and that validation in medical groups. Iranian Journal of Medical Education, 9: 55 -67.

Kupchella, E. Charles. C. Hyland, M. (1977). Essential curriculum components in Environmental Education. The journal Environmental education , 10-16.

Lahyjanyan, A. (2011). environmental education. Tehran: Science & Research Branch, Islamic Azad University Press.

Miler, J. (2004). Theory curriculum. (M. Mehrmohamady, trans.). Tehran: samt Press . ohammadi Asl, A. (2004). Women and the Environment. Tehran: Publication and Research shiraze.

Maleki, H. & Salimi, J. (2010). From the discipline system to Interdisciplinary approach in Higher Education Curriculum. Journal of Curriculum Studies in Higher Education. 1:65-95.

Maleki, H. (2005). curriculum planning (guide to action). Tehran: payame Andishe press.

Mehrmohamady, M. (2009). Theory of multiple intelligences and that implications for curriculum and instruction. Journal of education, 88:31-7.

Mirdamadi, M., Esmaili, S., & Bagheri Varkaneh, A.A. (2008). study of high school students' interest in relation to environmental protection. Environmental Science journal 46: 39-21.

Monroe, M. C.; Andrews, E.; & Biedenweg, K. (2007). A Framework for Environmental Education Strategies. (EJ884693) Applied Environmental Education and Communication, 3-4 :205-216.

Marouli , Ch. (2002). Multicultural Environmental Education: Theory and Practice Technical College of Greece, Pireas Canadian Journal of Environmental Education, 7: 26-42.

of philosophical, psychological and sociological, program evaluation, program analysis, program content or textbooks) (third edition). Tehran: Yadvareh Book press.

Yarmohammadian, M.H. (2000). curriculum planning in higher education. Encyclopedia of Higher Education of Iran. Tehran: Persian Encyclopedia Foundation.

Curriculum Materials. The journal Environmental education, California. SAGE publication 20: 14-18.

Schweitzer, A. (2011). Animality and Environmental Education: Toward an Interspecies Paradigm. Nobel Peace Prize Address, Canadian Journal of Environmental Education, 16: 8-13.

Soltani, A., Sargou, Azizu'llah Arbabi, T, A. Dehghani, & Rezai, Mary. (2011). Isfahan school students' attitudes toward science and technology, school science and the environment. Quarterly of Curriculum Studies, 30, 83-73.

Stables, A. (1996). 'Reading the Environment as Text: literary theory and environmental education', Environmental Education Research, 2: 189 – 195.

Soleimanpour Omran, M (2014) Synthesis based researches (Integrative Inquiry) of environmental education in terms of attention to the integrated and interdisciplinary curriculum. Journal of Middle East Applied Science and Technology (JMEAST) ISSN (Online): 2305-0225. Issue 14(4) [Supplementary Part II], September 2014, pp. 636-641

Safarinia, M. (2010). The social psychology of education. Tehran: Payam Noor press.

Sutton, Ph. (2004). Nature Environment and society. palgrave Hampshire and new York.

Tyler, R. (2005). Basic principles of curriculum and training. (A. taghipour zahir, Trans.). Tehran: Agah Press.

Willis, J.M. & Weiser, b. (2005). "Technology and Environmental Education: An Integrated Curriculum". The journal Environmental education, 297-303.

Waktola, D. K. (2009). Challenges and opportunities in mainstreaming environmental education into the curricula of teachers. colleges in Ethiopia', Environmental Education Research, 15: 589 – 605.

Yarmohammadian, M.H. (2002). principles of curriculum planning (curriculum planning nature